

مرز فضائل

۹

رذائل اخلاقی

تحلیلی از:

واژه‌های اخلاقی متقارن

تألیف: احمد حبیبیان

حبیبیان، احمد ۱۳۲۴ -

مرز فضایل و رذائل اخلاقی: تحلیلی از واژه های اخلاقی متقارن/ نشر روز اندیش

همدان ۱۳۹۰

۳۱۲ ص

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا .

کتابنامه : بصورت زیر نویس .

۱- اخلاق اسلامی . ۲- صفات رذیله

الف- عنوان . ب- عنوان: تحلیلی از واژه های اخلاقی متقارن .

۲۹۷/۱۶

BP۲۴۷/۸/ج۲۵م۴

۸۲-۱۸۰ م

کتابخانه ملی ایران ۱۳۹۰

ISBN:978-600-5090-56-7

نشر روز اندیش:

مدیر: سید رضا دربان- همدان- اول خ میرزاده عشقی- جنب تالار معلم
تلفن: ۰۸۱۱۱۱۱۸۷۶-۰۸۱۱۱۱۱۸۷۶ ، همراه: ۰۸۱۱-۸۲۸۳۸۶۴ ، فکس: ۰۸۱۱-۸۲۸۳۸۶۴

Website: WWW.roozAndish.ir

E-Mil: roozAndish pub @ yahoo Com

عنوان کتاب : مرز فضایل و رذائل اخلاقی

مؤلف : احمد حبیبیان

ناشر : روز اندیش

سال انتشار : ۱۳۹۰

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ : ششم

چاپ : روشن

صفحه : ۳۱۲ صفحه

قطع : رقعی

شابک : ۷-۵۶-۵۰۹۰-۴۰۰-۹۷۸

قیمت : ۴۰۰۰۰ ریال

« تمام حقوق محفوظ و مخصوص مؤلف می باشد هر گونه کپی برداری

برداري از این کتاب پیگرد قانونی دارد»

فهرست مندرجات

صفحه

عنوان

مقدمه‌ای از حضرت آیت الله العظمی سید محمد موسی همدانی	
نماینده رهبری و امام جمعه محترم همدان (دامت برکاته)	۱۵
مقدمه مؤلف	۲۱
الف - عزّت نفس	۲۷
ب - خودخواهی	۲۸
ج - ذلّت و خواری	۲۹
الف - تواضع	۳۱
ب - تملق و چاپلوسی	۳۳
ج - کبر	۳۴
الف - غیرت	۳۶
ب - خشم	۳۸
ج - بی غیرتی	۳۹

- ۴۱ الف - افشاگری
- ۴۲ ب - غیبت
- ۴۴ ج - چشم پوشی از حق (سکوت در مقابل فسق و فساد)
- ۴۵ الف - تحقیق و ارزیابی
- ۴۶ ب - تجسس
- ۴۷ ج - سکوت و بلاهت
- ۴۹ الف - حیا
- ۵۰ ب - کم رویی
- ۵۲ ج - جلّعی (بی حیای)
- ۵۳ الف - تعصّب (جانبداری از)
- ۵۵ ب - حمیت (جانبداری از باطل)
- ۵۷ ج - بی تفاوتی نسبت به حق و باطل
- ۵۹ الف - عاطفه عقلانی
- ۶۱ ب - عاطفه غریزی
- ۶۳ ج - بی عاطفگی
- ۶۵ الف - اخلاص در برابر خدا
- ۶۶ ب - اخلاص در برابر مردم
- ۶۸ ج - نفاق و دو روئی

- الف - حفظ ظاهر برای تعظیم اسلام ۷۰
- ب - حفظ ظاهر برای جلوه‌گری و فریب مردم ۷۲
- ج - هتک آبروی اسلام و مسلمین ۷۳
- الف - مطرح ساختن خویش بقصد خدمت به اسلام ۷۴
- ب - نامجوئی و شهرت طلبی برای خویشتن ۷۶
- ج - از روی رگ و گری (بنی تفاوتی نسبت به سرنوشت جامعه) ۷۹
- الف - تقوا ۸۲
- ب - ترس ۸۵
- ج - افشاء راز ۸۶
- الف - خوف از خدا ۸۹
- ب - یأس از خدا ۹۱
- ج - خوف نداشتن از خدا (جرأت و بی‌گرمی) ۹۳
- الف - اُمید به خدا ۹۶
- ب - تجرّی به خدا ۹۸
- ج - یأس ۹۹
- الف - صبر در مقابل سختی‌ها ۱۰۰
- ب - سکوت در مقابل ظلم ۱۰۵
- ج - ناشکیبائی در برابر سختی‌ها = جزع ۱۰۶

- الف - توکل به خدا ۱۰۸
- ب - تنبلی و از خدا توفیق خواستن ۱۱۱
- ج - به خود متکی بودن = غرور ۱۱۴
- الف - رضا به رضای الهی ۱۱۶
- ب - رضا به رضای خلق ۱۱۹
- ج - سم - خط نسبت به رویدادها ۱۲۱
- الف - سم - دبی در مقابل مؤمن ۱۲۴
- ب - سکوت - مقابل ۱۲۷
- ج - حقد و کینه در مقابل مؤمن ۱۲۷
- الف - غبطه ۱۳۱
- ب - حسد ۱۳۲
- ج - بی خیالی نسبت به کسب کمالات ۱۳۴
- الف - خیرخواهی برای دوستان خدا ۱۳۶
- ب - خیرخواهی برای دشمنان خدا ۱۳۷
- ج - بدخواهی برای دوستان خدا ۱۳۹
- الف - شجاعت ۱۴۲
- ب - جسارت و تهور ۱۴۴
- ج - جبن و ترسوئی: ۱۴۶

- الف - وقار..... ۱۴۷
- ب - کبر و نخوت..... ۱۴۹
- ج - سبکی و جلفی (شتلابکاری)..... ۱۵۰
- الف - مجازات و عقوبت مجرم = قصاص..... ۱۵۲
- ب - ستمکاری..... ۱۵۴
- ج - دقت جرم برای جرم گشودن..... ۱۵۸
- الف - حسن سیر..... ۱۶۱
- ب - بلاهت و سادگی..... ۱۶۴
- ج - سوء ظن..... ۱۶۶
- الف - حرص و ولع نسبت به علم..... ۱۶۹
- ب - حرص و طمع نسبت به مال و جاه..... ۱۷۳
- ج - بی رغبتی نسبت به کسب علم و کمال..... ۱۷۵
- الف - صرفه جویی..... ۱۷۷
- ب - بخل و تنگ چشمی..... ۱۸۰
- ج - اسراف و تبذیر..... ۱۸۲
- الف - ایثار..... ۱۸۶
- ب - محرومیت..... ۱۸۸
- ج - خودخواهی..... ۱۹۰

- الف - دوستی خالصانه (مهر) ۱۹۱
- ب - دوستی سوداگرانه ۱۹۴
- ج - دشمنی و عداوت (کین) ۱۹۶
- الف - خوش رفتاری ۱۹۹
- ب - خوشرقصی و چاپلوسی ۲۰۲
- ج - بد رفتاری = خرق ۲۰۲
- الف - انصاف ۲۰۴
- ب - مساوات و تنگ ۲۰۶
- ج - تعدی و تجاوز = برانداختن ۲۰۷
- الف - آزادی انسانی = حریت ۲۱۰
- ب - آزادی حیوانی = لاقیدی ۲۱۲
- ج - اسارت ۲۱۳
- الف - صدق و راستی بجا ۲۱۶
- ب - صدق و راستی بیجا (فتنه گری) ۲۱۸
- ج - دروغ گوئی ۲۱۹
- الف - مزاح ۲۲۲
- ب - لغو = بیهوده گوئی ۲۲۴
- ج - بد خوئی = بد خلقی ۲۲۶

۲۲۸	الف - علم
۲۳۰	ب - فضل فروشی = علم نمایی
۲۳۲	ج - جهل
۲۳۵	الف - شکر
۲۳۸	ب - تملق = چاپلوسی
۲۴۰	ج - ناسپاسی = کفر
۲۴۳	الف - زهد
۲۴۷	ب - وهبائیت
۲۵۲	ج - رغبت به دنیا
۲۵۳	الف - کم گوئی
۲۵۶	ب - خاموشی ناشی از کم روئی
۲۵۸	ج - پرگوئی = بیهوده گوئی

فهرست ضمائم

صفحهعنوان

۲۶۱	ضمیمه ۱
۲۶۵	ضمیمه ۲
۲۷۱	ضمیمه ۳
۲۷۷	ضمیمه ۴
۲۷۹	ضمیمه ۵
۲۸۵	ضمیمه ۶
۲۸۹	ضمیمه ۷

مقدمه‌ای از:

حضرت آیت الله موسوی همدانی

نماینده عالی‌رتبه‌ی امام جمعه محترم همدان (دامت برکاته)

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع علم اخلاق انسان است که در مقام بیان مسیر حرکت و بیان نحوه و شیوه سیر و حرکت این موجودات در اوقات صعودی و نزولی حرکت ارتقاء و تعالی بخش او و انحطاط او را تشریح می‌نماید.

از نظر قرآن که همان بیان حقیقت و واقعیت است، انسان بهترین و عالیترین موجود، و از لحاظ دیگر بدترین و پست‌ترین موجود است. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (سوره تین)

آدمیزاد طرفه معجونی است وز فرشته سرشته وز حیوان

گر کند میل این شود به از این ور کند میل آن شود پس از آن

در قرآن آیاتی است که انسان را بعنوان بهترین موجودات معرفی می‌کند و بهترین و عالی‌ترین صفات برای او می‌شمارد:

۱- خلیفه و نماینده و نمایاننده خدا:

إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (بقره - ۳۰).

۲- ظرفیت علمی وسیع به وسعت تمامی اسماء و اشیاء:

آلَمْ الْأَنْشَاءَ كُلَّهَا (بقره - ۳۲).

۳- در پست او علاوه بر عناصر مادی عنصری ملکوتی و الهی وجود دارد:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُفُثَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ... ثُمَّ أَرْسَلْنَاكَ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (مؤمنون - ۱۴).

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (ص ۷۲).

۴- برگزیده و منتخب الهی از تمام اجزای زمین و آسمان و هادی (طه - ۱۲۱).

۵- امانت در خدا: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ... وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ (احزاب - ۷۲).

۶- انتخابگر و لائق تکلیف و خطاب الهی:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّا شَاكِرٌ وَإِمَّا كَفُورًا (سجده - ۱۷).

۷- از کرامت ذاتی و فضیلت برخوردار است:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (اسراء - ۷۰).

۸- از وجدان اخلاقی برخوردار و با الهام فطری و الهی زشتی را از خوبی جدا می‌کند:

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا... فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (شمس - ۹).

۹- هیچ چیز او را سیر و راحت و آرام نمی‌کند جز یاد حق:

أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد - ۲۸).

- ۱۰- تمام نعمتهای زمین برای او آفریده شده است:
هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً (بقره - ۲۹).
- ۱۱- برای پرستش و عبادت اختیاری و تشریعی آفریده شده است:
وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات - ۵۷).
- در معرفی های دیگری که با مراجعه به قرآن و توجه بیشتر آن
نصایص و هشدار می شود. و از طرف دیگر می بینیم که قرآن انسان را
بدترین و پست ترین و خطرناک ترین و زیان بارترین موجودات
می شمارد. بیرون از نمونه به چند آیه اشاره می کنیم:
- ۱- أُولَئِكَ كَانُوا لَكَ هَؤُلَاءِ مُتَشَبِهِينَ (اعراف - ۱۷۹)
- ۲- إِيحاج و عینادش را همدرد چه بیشتر است:
وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْئاً جَاهِلًا (عنکبوت - ۵۴).
- ۳- کفور و ناسپاس: إِنَّ الْإِنْسَانَ كَذِبًا (رحم - ۶۶).
- ۴- حریص و آزمند: خُلِقَ الْإِنْسَانُ مَلُوعًا (مارج - ۱۹).
- ۵- سرکش و طغیانگر: إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي (علق - ۶).
- ۶- همانند حمار و حیوان: كَمَثَلِ الْحِمَارِ (جم - ۱۷).
- ۷- كَانَهُمْ حُصْرٌ مُّسْتَفِرَّةٌ (مدر - ۵۰).
- ۸- تشبیه به سگ و آن جانور درنده نمود:
فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ (اعراف - ۱۷۶).
- ۹- شررترین و خطرناک ترین جانداران و جنبنده است: إِنَّ شَرَّ
الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَقُولُونَ (انفال - ۲۲).
- و آیات دیگری که در این رابطه هست.

آیا واقعاً این چنین است؟ آیا این همه مصائب و مشکلات که دامنگیر بشریت بوده و این همه جنایات وسیع که در سطح جهان وجود دارد، این فجایع رقت بار که هر انسان با وجودان با دیدن و شنیدن آن شوکه می شود، این همه آدم کشی و قتل نفس و شکستن و حورد کردن استخوانها و سوزاندن انسانهای و بی دفاع، ویرانی ها و خرابی ها، آمو، گیها و جنگهای طولانی ویرانگر، این همه انحرافها و تعدی و تجاوز به نوامیس و، أعراض و اموال و حقوق ضعیف، جز از اثر مهار گسیختگی و مستی و غرور این موجود شریر است؟ آیا عامل دیگری طبیعی، جوی، آسمانی، زمینی خارج از وجود انسان و انحراف مسیر اخلاقی و ... دارد؟

این است که در این زمان تجربه اخلاق انسانی و تعدیل قوا و غرائز بشری بیش از هر زمان واجب و ضروری و فوری است، و تا انسان ساخته نشود زندگی انسانها در خلاصه بیشتری قرار خواهد گرفت و دنیای امروزی سامانی نخواهد یافت. اما اگر انسان ساخته شود جهان خارج بازسازی و ساخته خواهد شد و با این ناصحین و مصلحین و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان و ... است که در این راستا قدرت و توانی داشته باشد فرض و لازم است که همه توانمند و از هر طریقی که امکان داشته باشد تلاش و کوشش نموده و از هر فرصتی استفاده نماید. باشد که این انسان فرو رفته در منجلاب فساد و تباهی را تا حدودی نجات دهد.

جزوه‌ای که در دست شما است نتایج زحمات ارزنده برادر محترم جناب آقای احمد حبیبیان که خود متخلق باخلاق حمیده و صفات پسندیده است، می‌باشد و در این جزوه ذوق و ابتکاری مخصوص به خود را در گفتار و با بیان مفاهیم واژه‌های اخلاقی و توضیح و تشریح حدود و نفوذ این مرزها و شرح و تبیین مشترکات و مصادیق ممدوح و مذموم و ابعاد مثبت و منفی مفاهیم و اضداد این ارزشها به طور مرتب و منظم تحریر و در این رشته تألیف گشته و بسبب خاصی که از ذوق و سلیقه نیکوی نویسنده حکایت می‌کند تنظیم شده است؛ و در عین اختصار مطالب اخلاقی استحصالی که نه تفصیل و زیاده روی مُمِلّ و خسته کننده و نه اجمال و کوتاهی است، که در فهم مطالب اخلال و ابهامی رخ دهد و در حد اعتدال ترتیب داده شده است. امید است با توفیق پروردگار مهربان مورد بهره برداری و استفاده علمی و عملی مؤمنین و برادران قرار گیرد.

اَللّٰهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضٰی وَ صَلِّیْ اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الْاَطْهَارِ.

سید ابوالحسن مدسوی

www.ketab.ir

قدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ،
حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ، مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَعَلَى أَهْلِ
بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ.

روح انسانی که نشأت یافته بر عالم علوی و ملکوتی است، میل به
بی نهایت دارد. به تعبیر کوتاه، روح انسانی بی نهایت گراست. بر این
اساس طبق اصل سنخیت معلول با علت، شراب و مدام آوردن به مایه ها
و آیه های الهی و هر چیز که «وَجْهُ اللَّهِ» و «صِبْغَةُ اللَّهِ» می شود،
آرام نمی گیرد. در این سیر فطری و خالص است که صمد بی بی و
برخورداری از «لَذَّتْ شُرْبِ مَدَامٍ» شراب ملکوتی، تشنه تر از گذشته و
جستجوی شرابی نشئه دارتر، روان می گردد و این سیر را الی الآخره
ادامه می دهد. این سیر لذت بخش، که در عین وصال، هجران است،
برای آندسته از انسان هایی است که در آغاز کار با نیروی خرد و چشم
و گوش عبرت گیر، به آفاق نگریستند و به وجود ظاهرتر از هر ظاهر و

پنهانتر از هر پنهان حضرت حق پی بردند، و از آن پس بی قرار و ناآرام در وادی دل، قدم همت نهادند و تشنه و مشتاق، بسوی آبشخور وحدت راه پیمودند.

اما برای آندسته از انسانهاییکه با وجود فراهم بودن مقتضی و نبودن مانع، چشم دل بستند و به آفاق ننگریستند و در نتیجه به وجود حضرت حق پی نبردند، «آن میل» باقی ماند، اما بی راهنما و بی چراغ راه که نورانی در وادی غرایز و شهوات و نه در وادی دل، شب و روز قدم زدند اما چون تشنه‌ای که طالب آب است، به جای آب، به سراب و از آنجا به سودای آب، به سرابی دیگر و هَلُمَّ جَرَا...

اینکه انسان اگر او را در ملک تمام دنیا باز هم برای داشتن حرص می‌زند، این نیاز غریزی نیست زیرا غریزه - مثلاً غریزه گرسنگی غذا می‌طلبد اما بلا تشنه اشباع می‌شود، بلکه این روح «بی نهایت گرا» و «خدا خواه» اوست که در این غریزه حرکت می‌کند. و راز اینکه چرا به خدا نمی‌رسد؟ چرا لذت نمی‌برد؟ چرا در اوج تشنگی لَهْ لَهْ می‌زند، علتش این است که «جاده» را هم نکرده است. این شاهراه، این صراط المستقیم، دل آدمی است، که به سر راه آنجا آغاز کرد زیرا هم فرش و هم عرش آنجاست، نقطه آغاز و پایان آنجاست:

سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد

آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

پس انسان برای کمال آفریده شده است، زیرا میل کمال دارد. حال که چنین است، چه می شود که این انسان با داشتن اسباب و لوازم شناخت کمال مطلق و با وجود ذخیره ای بی پایان از میل و اشتیاق به حضرت دوست، مصداق «أَسْفَلَ السَّافِلِينَ» و مدلول «كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَسْفَلُ» می شود؟

نکته سومی در این است که «عقل» - این گوهر گرانبایه - در این سفر بکار نمی آید؛ همان عقلی که در توصیفش فرمود: «الْعَقْلُ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَكَتِبَ بِهِ الْجَنَانُ» = عقل آن چیز است که، به وسیله آن خداوند پرستیده می شود و با آن بهشت حاصل می گردد.

در این اوراق سعی ما بر آن است که بتوانیم مرز مفاهیم اخلاقی نظیر: خودخواهی و عزت نفس، حسد، شجاعت و تهور و... در یک کلام مرز «راه دل» و «راه ریزه» را تبیین کنیم، باشد که با این مرزبندی و تمایز بین فضائل و رذائل، تأییدات خداوند متعال و چراغ عقل و قدم تقوی راه دل را بشناسیم و از راه ها که در مسیر قرار دارند تشخیص دهیم، مبادا که به جای قدم نهادن بر روی «مُضَاعِلَةٍ» و «لَاؤُلِيَاءَةٍ»، در مرداب چاپلوسی و ذلت نزد ناکسان گرفتار آئیم و گنج حیرت شرفمان را بفروشیم.

تذکر این موضوع هم لازم است که بدانیم چرا بعضی از فلاسفه مانند نیچه آلمانی اخلاق را «اختراع ضَعْفًا» و برخی مانند مارکس اخلاق را «اختراع اغنیاء» می داند؟ آن یکی جامعه و انسان ایده آل را

انسان و جامعه قوی و زورمند تصویر می‌کند، و این یکی کمال انسانی را در رفع گرسنگی و حکومت محرومین می‌داند؟ هر دوی اینها از اخلاق برداشت مساوی دارند؛ زیرا، آنچه که باور کرده‌اند، آن سیستم اخلاقی‌ای است که مثلاً ذلت و خواری را به جای تواضع، و ترحم و حقیر آمیز را به جای مهربانی و دوستی و خوشرفتاری و حسن خلق، انگیزه است. اگر بتوانیم مرز این واژه‌ها را نشان بدهیم، شاید این شبهه از ذهن طافداران این نظریه‌ها برطرف شود.

ان شاء الله.

در خاتمه خاطر نشان می‌سازیم که برای تحلیل واژه‌ها و مفاهیم ابتدا از یک فضیلت اسلامی مثل «حیا» شروع نموده و آنگاه دو واژه دیگر که یکی قرینه منفی و متضاد آن یعنی «کم روئی»، و دیگری ضد آن یعنی «جلع و بی حیائی» است، مورد بحث قرار گرفته، امید است که مورد قبول حق تعالی قرار گیرد.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم که از الطاف بزرگ استاد و اسوه ارجمندم حضرت آیت الله جناب حاج آقا موسوی همدانی - نماینده رهبری و امام جمعه همدان - که با وجود کثرت مشاغل بنده عنایت فرموده و مجموعه را با دقت مطالعه نموده، و ضمن راه‌نمایی مفید و سازنده، آن را با مقدمه‌ای مُحَقَّقانه مُزَّیَّن فرمودند، تسکین نمایم. خداوند سایه پربرکتشان را از جامعه ما به خصوص استان همدان کوتاه نفرماید ان شاء الله.

و همچنین از زحمات بی‌شائبه برادر ارجمندم حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای علیرضا رازینی نماینده دفتر نهاد رهبری در دانشگاه بو علی سینا که در اصلاح این مجموعه بعمل آوردند سپاسگزاری نموده، برایشان توفیق بیشتر آرزو می‌کنم.

احمد حبیبیان